

## سیاهان سینمایی، سیاهان واقعی!

**احسان سالمی:** ماجرای رفتارهای تبعیض آمیز و همراه با خشونت پلیس و دولت آمریکا با سیاه‌پوستان مساله‌ای است که هر چند وقت یک بار به واسطه اتفاقی مورد توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرد و طبیعتاً یکی از اولین واکنش‌ها نسبت به این موضوع بازخوانی مهم‌ترین فیلم‌های ساخته‌شده درباره ظلم به سیاه‌پوستان است؛ فیلم‌هایی که شاید در ظاهر از سوی سینماگران هالیوودی با انواع و اقسام جوایز سینمایی تحویل گرفته شوند اما در ذات خود نمایش‌دهنده سال‌ها ظلم و تبعیض علیه رنگین‌پوستان بویژه سیاه‌پوستان در رنگه دنیا هستند.

### کتاب سبز: برنده اسکار بهترین فیلم دوره ۹۱۵

اگر بخواهیم از نمونه‌های متاخر آثاری با محور ظلم به سیاه‌پوستان که اتفاقاً از سوی جوایز سینمایی هالیوودی هم به‌شدت مورد توجه قرار گرفت یاد کنیم، باید سراغ «کتاب سبز» برویم؛ اثری که در نودویکمین دوره جوایز اسکار بعد از ۵ نامزدی، برنده ۳ جایزه اسکار در رشته‌های بهترین فیلم، بهترین فیلمنامه غیراقتباسی و بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شد. داستان این فیلم روایتگر یکی از ظلم‌های عجیب و غریب قانونی در آمریکاست که مطابق با آن حضور سیاه‌پوستان در برخی ایالت‌های آمریکا ممنوع بود.

### پلنگ سیاه: پر فروش ترین فیلم سال ۲۰۱۸

پلنگ سیاه یا «Black Panther» را باید مهم‌ترین تلاش سینمای هالیوود برای به تصویر کشیدن سیاه‌پوستان در قامت ابرقهرمان دانست؛ تلاشی که اتفاقاً با استقبال گسترده‌ای از سوی جامعه سیاه‌پوستان مواجه شد. فروش این فیلم حتی از تصورات مدیران مارول نیز بسیار بالاتر بود. پلنگ سیاه در سراسر جهان ۱۳۴۶ میلیارد دلار فروخته است در حالی که بودجه ساختش ۲۱۰ میلیون دلار بوده است. پلنگ سیاه توانست به چهارمین فیلم پرفروش تاریخ ایالات‌متحده تبدیل شود. داستان این فیلم در سرزمینی خیالی در آفریقا به نام «واکاندا» می‌گذرد که فناوری‌های بشت پیشرفته‌ای دارد.



### ۱۳ سال بردگی: اولین اسکار بهترین فیلم برای یک سیاه‌پوست

«۱۳ سال بردگی» ساخته استیو مک کوئین، فیلمساز سیاه‌پوست آمریکایی درامی تاریخی بر اساس زندگینامه خودنوشت «۱۲ سال بردگی» اثر «سالومون نورثاپ» است که یک سیاه آزاد بود ولی برده شده و به‌عنوان برده فروخته شد. «۱۲ سال بردگی» اولین فیلم تاریخ سینماست که در آن یک سیاه‌پوست اسکار بهترین فیلم را از آن خود کرده است. این فیلم که سال ۲۰۱۳ پخش شد، با نمایش صریح بخشی از خشونت‌های وحشیانه آمریکایی‌ها نسبت به سیاه‌پوستان، تا حدودی توانسته بخشی از تاریخ پر از جنایت و نژادپرستی آمریکا را به تصویر بکشد.



### تاریخ مجهول آمریکا: در فهرست ۳۵۰ فیلم برتر تاریخ سینما

«تاریخ مجهول آمریکا» یکی از خشن‌ترین ساخته‌های تاریخ سینماست که هر چند به واسطه صحنه‌های به‌شدت خشن و غیراخلاقی موجود در اثر بشتت مورد نقد قرار گرفت اما توانست بخشی از خشونت‌های عریان و خوی وحشیانه گروهی از سفیدپوستان آمریکایی را نسبت به سیاه‌پوستان و سایر رنگین‌پوستان در این کشور به تصویر بکشد. داستان این فیلم که در سال ۱۹۹۸ پخش شد، درباره مردی است که پس از کشته شدن غیرعمد پدرش در محله سیاه‌پوستان، تبدیل به یک نژادپرست تمام‌عیار می‌شود. این فیلم در رتبه ۳۵۰ از ۳۵۰ فیلم برتر تاریخ سینما به انتخاب کاربران «IMDB» قرار دارد.



### مالکوم ایکس: نقطه عطف فیلم‌های مرتبط با نژادپرستی

«مالکوم ایکس» که اسپایک لی، کارگردان سرشناس سیاه‌پوست آمریکایی آن را در سال ۱۹۹۲ ساخت، به نقطه عطفی در فیلم‌های مرتبط با نژادپرستی تبدیل شد. دنزل واشنگتن ستاره اصلی این فیلم که نقش «مالکوم ایکس» مبارز مسلمان سیاه‌پوست آمریکایی را بازی می‌کرد، پس از بازی در فیلم «قتل‌خار» در سال ۱۹۸۹ که آن هم قصه‌ای در ارتباط با نژادپرستی داشت، در کنار «مورگان فریمن» تبدیل به ستاره‌های منحصربه‌فرد سیاه‌پوست سینمای آمریکا شدند. البته تصویر همدلانه فیلم از شخصیت مالکوم ایکس به مذاق برخی مخاطبان آمریکایی خوش نیامد.



### کشتن مرغ مقلد: ثبت‌شده در فهرست ملی ثبت فیلم آمریکا

«کشتن مرغ مقلد» فیلمی به کارگردانی رابرت مالیگن است که سال ۱۹۶۲ ساخته شد. این فیلم یکی از مشهورترین فیلم‌هایی است که به مساله نژادپرستی می‌پردازد. داستان این فیلم روایت دادگاه پسر سیاه‌پوستی است که متهم به تجاوز به یک دختر سفیدپوست است. وکیلی به نام آنتیکاس فینج (با بازی گریگوری پک) وکالت این پسر جوان را می‌پذیرد. این فیلم سال ۱۹۹۵ در فهرست ملی ثبت فیلم آمریکا قرار گرفت. «کشتن مرغ مقلد» توانست ۳ جایزه اسکار بهترین بازیگر برای گریگوری پک، اسکار بهترین فیلمنامه اقتباسی و اسکار بهترین طراحی صحنه را به دست آورد.

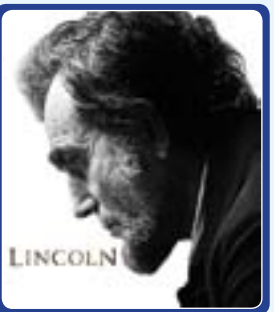
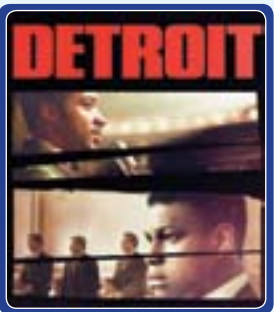


### از «لینکلن» تا «جانگوی آزاد شده» در یک سال سرنوشت‌ساز

### نادیده گرفته شده‌های مهم

«دیترویت» اثری از «کاترین بیگلو» بود که برخلاف برخی دیگر از آثار او چندان از سوی منتقدان و جوایز سینمایی آمریکا مورد توجه قرار نگرفت. اما این فیلم اتفاقاً مهمی دارد که با وقایع و اتفاقات این روزهای آمریکا نیز بشدت مرتبط است. قصه این فیلم که سال ۲۰۱۷ ساخته شد، در واقع شرح ناآرامی‌های مدنی ۵ روزه شهر دیترویت در تابستان ۱۹۶۷ است که به واسطه خشونت‌های پلیس علیه سیاه‌پوستان رخ داد و ۴۳ کشته و تعداد زیادی زخمی و میلیون‌ها دلار ضرر مالی برای پی داشت. فیلم اتفاقاً سیستم ناکارآمد

تجربه نشان داده آمریکایی‌ها هر وقت به رأی سیاه‌پوستان احتیاج داشتند، در هالیوود هم علاقه‌بیشتری نسبت به مساله ظلم به سیاه‌پوستان بروز کرده است. سال ۲۰۱۲ همزمان با پنجاههفتمین انتخابات ریاست‌جمهوری در این کشور، اکران ۳ فیلم مهم «لینکلن» (لستون اسپیلبرگ)، «جانگوی آزاد شده» (کوئنتین تارانتینو) و «جانسون حیات وحش جنوب» (بن زایتلین) و توجه ویژه به هر ۱۲ این آثار در فصل جوایز اسکار، تبدیل به نقطه عطفی در زمینه نمایش مسائل سیاه‌پوستان حیات وحش جنوب» نیز قصه دخترکی ۶ساله و سیاه‌پوست است که قدرت‌هایی خارق‌العاده دارد.



### پرونده «وطن امروز» درباره تأثیرات متقابل سیاه‌پوستان و فضای هنری آمریکا

# حداقل به سیاهان کتاب سبز بدهید

**محمدرضا کردلو:** توجه ویژه اسکار به «کتاب سبز» که برای تبلیغ دموکرات‌ها ساخته شده بود، عجیب نبود؛ فیلمی که خیلی بی‌ربط تلاش کرده بود زلف برادران کندی را با حل مشکل سیاهان در آمریکا گره بزند. کتاب سبز اگرچه نمایشی ضدترامپ داشت اما خواسته با ناخواسته نشان می‌داد چه روزگار سیاهی بر سیاهان آمریکا رفته است. توهین‌هایی که به «دان زشرلی» بیانیت مطرح آمریکایی در طول فیلم می‌شود، مربوط به دوران پیش از قانون الغای بردگی نیست، بلکه برای همین ۵۰-۴۰ سال قبل است. یعنی هرچقدر هم که «کلینت ایستوود» تلاش کند در «تابخشوده» یک وسترن سیاه‌پوست قرن نوزدهمی را نشان دهد، آن هم در شمایی شبیه سفیدهای وسترن و قهرمان‌هایش - که البته همه می‌دانیم دروغی بیش نیست - باز روزگار سیاهان سیاه است. وقتی آرتیست درج یک «سیاه‌پوست» تا ۵۰ سال پیش و بر اساس آنچه خود هالیوود در «گرین بوک (کتاب سبز)» نشان داده، از کمترین حقوق محروم بوده، چطور می‌توان یک وسترن قرن نوزدهمی را باور کرد؟

تا سال‌ها بعد از تصویب قانون الغای بردگی، یکی از مهم‌ترین سوالات در آمریکا و حتی جامعه بین‌الملل این بود که این قانون، در اوج جنگ‌های داخلی آمریکا چطور به تصویب رسیده؛ اسپیلبرگ در لینکلن (۲۰۱۲)، تلاش کرده جنبه‌های انسانی به این ماجرا بدهد و همه چیز را به یک ارتباط عاطفی بازگردانده است. اسپیلبرگ در این فیلم سیاسی، یک رابطه انسانی را پررنگ می‌کند تا الغای قانون بردگی را با مفهوم عشق گره بزند. به نظر خودش هم می‌دانسته که در غیر این صورت هیچ راه دیگری برای توجیه دراماتیک ماجرای لغو بردگی ندارد. چرا ساختارهای خشن ۲ گروه که نزدیک به دو قرن است اجازه حضور هیچ طرف سومی را در رقابت‌های سیاسی نمی‌دهند، نمی‌تواند منشا قانونی شود که هرچند تبلیغاتی، به نفع سیاهان باشد. در لینکلن «عشق» یک دموکرات مخالف الغای بردگی به خدمتکار سیاه‌پوستش، باعث می‌شود او به خواسته جناح رقیبش تن بدهد و برای تصویب قانون لغو بردگی تلاش کند. این فیلم نشان می‌دهد چطور یک زن، تأثیرگذارترین نقش را در یکی از مهم‌ترین تغییرات سیاسی و اجتماعی قرن ۱۹ ایفا می‌کند و باعث تصویب یک قانون مهم در ایالات‌متحده می‌شود. البته قانونی که برای سال‌ها نادیده گرفته شده است.

در واقع فارغ از نتیجه‌گیری‌های بی‌نفع سیستم که سینمای آمریکا و هالیوود به دنبال آن است و در این سال‌ها تلاش کرده برای «سیاهان» بیشتر فیلم بسازد اما کمتر به مسائل اساسی در مورد آنها پرداخته و آن تبعیض دامنه‌داری است که حتی با رئیس‌جمهور شدن یک سیاه‌پوست، تغییر وضعیتی درباره آن شکل نگرفته است. «حتی با رئیس‌جمهور شدن اوباما» بخشی از دیالوگ در آمیتیه و کریس واشینگتن در Get Out است، فیلمی متفاوت درباره سیاهان که به شکلی نمادین مزه مزه سفیدپوست‌ها را محل قتل سازمان‌یافته سیاهان قلمداد می‌کند. به عبارت دیگر، همه تلاش‌های دموکراتیک برای تولید فیلم درباره سیاهان، با هر نتیجه‌ای به نفع هر یک از ۲ گروه سیاسی، نمایشی تبعیض‌آمیز از تبعیض است. آنچنان که اسپایک لی، کارگردان سیاه‌پوست آمریکایی در یک سخنرانی مطرح کرد؛ اسپایک لی کارگردان سرشناس آمریکایی و

### نگاهی به نقش رپر هاد هدایت جریان اعتراضی مردم آمریکا

## عموسام لعنتی



باید از موسیقی رپ و پاپ، سوزدایی شود. اینان در هنر موسیقی خود مضامینی چون معنویت و عدالت‌خواهی و مقابله با فساد اخلاقی و خشونت را در آمریکا دنبال می‌کنند. این هنرمندان که میهمان کنفرانس افق نو بودند، به ابتکار نادر طالب‌زاده در راهپیمایی اربعین در میان عزاداران کشورهای مختلف حضور یافتند و با فرهنگ حسینی آشنا شدند، حتی این هنرمند در آن ایام با حضور در میان عزاداران حسینی لحظاتی به اجرای برنامه‌های با مضمون احترام و محبت غیرمسلمانان به امام حسین(ع) پرداختند که فیلم این اجرا باخورد فراوانی در فضای مجازی داشت. نادر طالب‌زاده، دبیر کنفرانس افق نو

درباره باخورد‌های حضور رپرهای آمریکایی در این کنفرانس گفته است: «در میان میهمانان، چند رپر را هم دعوت کرده‌ایم که در کار خود برجسته هستند، کسانی که اجرای رپ‌های آگاهی‌دهنده را برعهده دارند و برای چندین هزار نفر اجرا می‌کنند و اتفاقاً آن گروه سیاه‌پوستی که پیش از این میهمان ما در کشور بودند وقتی به کشورشان بازگشتند به این رپرها گفتند اگر از طرف ما دعوت شدند حتماً این دعوت را بپذیرند و به ایران بیایند». اما حضور این رپرهای آمریکایی در کنفرانس افق نو و همچنین پیاده‌روی اربعین، برای‌شان دردسرهایی هم در پی داشته است که نادر طالب‌زاده، اینجینین روایت می‌کند: تمام میهمانان ما در راه بازگشت به آمریکا لب مرز ۳ تا ۱۸ ساعت مورد بازرجویی قرار گرفتند. در یکی از کنفرانس‌های «افق نو» ۲۵ میهمان داشتیم و همه آنها مورد بازرجویی قرار گرفتند و حتی بعضی از آنها را تهدید و تحقیر کرده‌اند. من با سناسور می‌گویم اما یکی از میهمانان ما را با تحقیر به گونه‌ای که به دنبال یک فیوز اتمی می‌گردند، بازرسی کرده‌اند و به او گفته‌اند اگر باز هم به ایران برود همین برخورد با او تکرار خواهد شد و او جواب داده است باز هم به ایران می‌آید. در پایان ناگفته نماند، «برادر علی» از خوانندگان رپ مشهور آمریکا

هم در یکی از دوره‌های کنفرانس افق نو در ایران حضور یافت و در این کنفرانس به رپ‌خوانی اعتراضی خود بر ضد نگاه تبعیض‌آمیز سیاستمداران آمریکایی پرداخت که در پایان از نظر تان می‌گذرد، عموسام لعنتی به ایالات مارها خوش آمدی، سرزمین زده‌ها، خونه برده‌ها گارد امپراتوری بزرگ، جایی که دلار مقدسه خونریزی، نسل‌کشی، تجاوز به عنف، کلاب‌مداری به نام قانون، قانونی که نوشته شد سرزمین پادشاهی توحش، نیروی کار وارداتی، نیروی کار وارداتی شکنجه شده آلامی که هرگز التیام پیدا نکرد، زخم‌هایی که هرگز خوب نشد هیچ چیز نمی‌تونه شما رو نجات بده به ایالات مارها خوش آمدی، سرزمین زده‌ها، خونه برده‌ها گارد امپراتوری بزرگ، جایی که دلار مقدسه سرزمین‌های دیگه هم مورد تجاوز قرار گرفتند بچه‌ها رنج کشیدند، بچه‌ها کشته شدند، بچه‌ها با نفرت به دنیا آمدند به ایالات مارها خوش آمدی، سرزمین زده‌ها، خونه برده‌ها

عباس اسماعیل‌گل: سیاه‌پوستان آمریکایی دهه ۷۰ میلادی در نیویورک، زمانی که تبعیض نژادی و ظلم و ستم سفیدپوستان آنها را به سنته آورده بود به خیابان‌ها ریختند و برای بیان اعتراضات، حرف‌های‌شان را به صورت ریتمیک و ترانه خواندند. دقیقاً از همین جا بود که سبک جدیدی از موسیقی پا به عرصه ظهور گذاشتند و «رپ» نام گرفت که ابتدا و به دلیل پدیدآوردندگان آن، به «سی‌ان‌ان» سیاه‌پوستان آمریکا شهرت یافت، در واقع «رپ» سبک جدیدی از موسیقی غربی، برای بیان اعتراضات عمومی و ابراز خشونت‌های سیاسی-اجتماعی محسوب می‌شود. اما در گذر زمان با ورود مافیای سرمایه‌داری غرب به این سبک نوظهور موسیقی، رپ به ۳ گونه مختلف تقسیم شد که رپرها با زیرشاخه‌های «هیپ-هاپ»، «رپ عاشقانه» و «دیس لاو» به کار خود ادامه می‌دهند. در کنار اینها چند سالی است که گروه‌های خشن و معترض را «رپ‌خوان‌های خیابانی» می‌دانند. به‌رغم آنکه طی سال‌های اخیر جریان اصلی موسیقی رپ از خاستگاه اصلی اعتراض خود فاصله گرفته است و از سویی با نفوذ مضامین جنسی و ترویج اعتیاد و همچنین خارج شدن موسیقی رپ از انحصار سیاه‌پوستان، هنوز هنرمندان سیاه‌پوستی هستند که در آمریکا علیه تبعیض نژادی حاکم در